

در گفت‌وگو با تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا، سیاست‌های متناقض واشنگتن در قبال تهران بررسی شد

از وین تا دوحه؛ چرا بایدن دیپلماسی آونگی برجامی دارد؟

پرونده

در شرایطی که در هفته‌ها و ماه‌های اخیر دولت بایدن شمشیر خود را برای ایران از رو بسته بود، به ناگاه شاهد برگزاری نشست غیرمستقیم بین تهران و واشنگتن در دوحه بودیم. اگرچه این نشست دوازده هم نتیجه مطلوبی در پی نداشت اما این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که به چه دلیل یا دلایلی شاهد این تناقض و سیاست آونگی دولت بایدن در قبال ایران و برجام هستیم؟ «شرق» در گفت‌وگو با امیرعلی ابوالفتح، کارشناس و تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا، به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که دولت بایدن چرا ضمن تلاش برای صدور قطع‌نامه در شورای حکام، اعمال چند مرحله تحریم‌های جدید، احیای سیاست گروگان‌گیری ترامپ با توقیف محموله نفتی ایران در یونان و موضع‌گیری رسمی درباره عدم خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی، ناگهان مذاکرات با ایران در قطر را کلید زد؟

اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود، ناظر به تناقض در سیاست خارجی دولت بایدن است؛ چراکه در روزها و هفته‌های اخیر دولت بایدن یک سیاست ته‌جمعی را در برابر ایران اعمال کرده بود، از چند مرحله تحریم‌های جدید تا احیای سیاست گروگان‌گیری ترامپ با توقیف محموله نفتی ایران در یونان، موضع‌گیری رسمی درباره عدم خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی، تلاش برای صدور قطع‌نامه در شورای حکام و... اما به‌ناگاه شاهد حضور رابرت مالی در دوحه برای مذاکره با تهران بودیم. این تناقض دولت بایدن در قبال برجام و ایران ناشی از چیست؟

این مهم ناشی از آن است که بین سیاست اعلامی و سیاست عملی دولت بایدن به‌ویژه در قبال ایران یا محوریت پرونده فعالیت هسته‌ای و احیای برجام یک تناقض فاحش و آشکار وجود دارد. درحالی‌که در دولت دونالد ترامپ این تناقض وجود نداشت. چون دولت سابق آمریکا همان‌گونه که در مواضع خود بر جمهوری اسلامی ایران می‌تاخت، در عمل نیز همان‌گونه رفتار می‌کرد. یعنی دولت ترامپ به واقع اعتقاد داشت که برجام یک توافق بسیار بد است و از هر پتانسیل و ظرفیتی برای توقف و شکست آن استفاده می‌کرد و حتی کار به ترور سردار سلیمانی هم کشیده شد اما حرف و عمل دولت بایدن یکی نیست. از یک طرف به سیاست ترامپ انتقاد می‌کند و از طرف دیگر موضع‌گیری‌های رسمی برای مذاکره با ایران و احیای توافق هسته‌ای دارد اما در مقابل کماکان سیاست فشار حداکثری و تحریم‌های دولت سابق را اعمال می‌کند؛ بنابراین دولت بایدن نه جسارت و نه توان احیای برجام را دارد و نه اساساً تمایلی برای این کار داشته و دارد که تکلیف برجام را روشن کند.

پس بلاتکلیفی ایران یکی از اهداف مستقیم این سیاست متناقض ایران است؟

بله متأسفانه اکنون این شرایط باعث شده است ایران هم با

نوعی بلاتکلیفی مواجه باشد و به دنبال آن برجام هم پادروا بماند. چون همان‌گونه که گفتیم دولت بایدن نه توان و تمایلی برای احیای برجام دارد و نه قدرتی برای ادامه سیاست فشار حداکثری علیه تهران؛ به همین دلیل مطلوب‌ترین سناریو همان **فرکردن** و ثابت‌کردن شرایط کنونی با پیگیری سیاست بلاتکلیفی است. به همین دلیل، هم نشست وین و هم نشست دوحه خروجی ملموسی نداشت.

آیا به دلیل دوگانگی و شکاف بین کاخ سفید و وزارت امور خارجه ناظر به اختلاف نظر جک سالیوان در مقابل رابرت مالی و آتونی بلینکن شاهد این تناقض در دولت بایدن هستیم؟

خیر. به نظر من این شکاف به شکل بسیار جدی‌تری بین دولت بایدن و کنگره آمریکا در جریان است اما این دوگانگی و شکاف نمی‌تواند باعث تناقض شود. چون رئیس‌جمهور می‌تواند با یک سیاست واحد مانع از این شکاف شود؛ بنابراین مشکل احیای برجام این نیست که شاهد شکاف در کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا هستیم یا تضارب و تضاد آرا بین مقامات آمریکایی در این خصوص زیاد است؛ هرچند این مهم در عدم احیای برجام هم مؤثر است اما مانع اصلی به مانع‌تراشی‌های کنگره و فشار سناتورها برای عدم احیای برجام بازمی‌گردد. وگرنه دولت بایدن تمایل دارد برجام به شکل جدی احیا شود.

ولی شما در سؤال قبل عنوان کردید که دولت بایدن تمایلی برای احیای برجام ندارد؟

بله دولت بایدن تمایلی برای برجام ندارد، چون به دنبال احیای این برجام نیست بلکه به دنبال برجام سال‌های ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ یا ۲۰۲۴ است؛ برجامی که سایر نگرانی‌های ایالات متحده را هم رفع کند. به همین دلیل است که واشنگتن توان و تمایلی برای احیای برجام ندارد؛ چراکه از یک طرف فشار کنگره و دیگر مخالفان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برجام دست دولت بایدن را بسته است و از طرف دیگر خود دولت بایدن هم تمایلی برای

احیای برجام سال ۲۰۱۵ را ندارد. در صورتی‌که جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که مذاکرات هسته‌ای، چه در وین، چه در دوحه و چه در هر جای دیگری فقط باید به احیای برجام سال ۲۰۱۵، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر منجر شود.

با توجه به شکاف نظر در دولت بایدن، فشار سناتورها و کنگره ایالات متحده آمریکا و دیگر مخالفان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برجام و همچنین عدم تمایل دولت بایدن برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ به چه دلیل یا دلایلی آمریکایی‌ها حاضر به مذاکره غیرمستقیم با ایران در قطر و تغییر محل مذاکرات از وین به دوحه شدند؟

این مسئله بیش از آنکه متوجه طرف آمریکایی باشد، به دلیل چراغ سبز طرف ایرانی صورت گرفت. به‌هرحال جمهوری اسلامی ایران به این باور رسیده است که باید این مذاکرات در یک نقطه به نتیجه برسد. در این راستا برای کاهش آثار تحریمی هر راهی را آزمایش می‌کند؛ چه مذاکرات در وین، چه در دوحه و چه هرجای دیگری و در این مسیر، مذاکره با اعضای ۵+۱، مذاکره غیرمستقیم با آمریکایی‌ها و دیگر شیوه‌های گفت‌وگو را هم تست می‌کند، چون وظیفه ذاتی دستگاه سیاست خارجی مذاکره است. در این بین برای رسیدن به نتیجه مطلوب شاید ماه‌ها و حتی سال‌ها فرصت نیاز باشد. از این جهت قدم درستی از سوی تهران در دوحه برداشته شد. چون به نزدیک شدن مواضع دو طرف اصلی مذاکرات یعنی ایران و آمریکا منجر خواهد شد. اگرچه دور اول مذاکرات در قطر به شکست منجر شد اما می‌تواند دوره‌های بعدی در چند هفته یا چند ماه آینده در خود دوحه، مسقط یا هر کشور اروپایی و غیراروپایی انجام شود تا اختلافات باقی‌مانده حل‌وفصل شود؛ بنابراین برگزاری نشست در وین، دوحه، بغداد، مسقط یا هرجای دیگری به‌معنای حصول توافق نیست بلکه ادامه مذاکرات است که می‌تواند مانند ادوار پیشین گاهی به شکست بگشد و گاهی هم به توافق برسد.



با این تفاسیر آیا تغییر محل مذاکرات می‌تواند نتیجه مطلوبی در پی داشته باشد، چون با توجه به شکست در دوحه به نظر می‌رسد تا زمانی که نگاه دو طرف در خصوص مذاکرات تصحیح نشود فرقی بین وین، دوحه، مسقط، بغداد، آستانه و... وجود ندارد؟

ببینید نه محل مذاکره و نه شکل مذاکره به‌صورت غیرمستقیم یا مستقیم چندان مهم نیست. حتی برخی خواشی مانند اشراف تیم مذاکره‌کننده به زبان انگلیسی یا آگاهی به مسائل حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل هم در حاشیه قرار دارد. آنچه اصل است، آن است که چه اتفاقی در واشنگتن و تهران می‌گذرد؛ بنابراین من هم مثل شما معتقدم فرقی بین وین، دوحه یا هرجای دیگری برای مذاکرات وجود ندارد. تغییر نگاه در طرفین به‌خصوص در طرف آمریکایی است که تعیین‌کننده خواهد بود. حتی اگر آقای رابرت مالی و باقری کنی به شکل مستقیم ساعت‌ها گفت‌وگو و مذاکره کنند، مادامی که نگاه دو پایتخت تغییر پیدا نکند، نمی‌توان به احیای برجام امیدوار بود. باید دیدگاه پایتخت‌ها با محوریت تهران و واشنگتن تغییر پیدا کند. به همین دلیل در دولت روحانی هم اتفاق خاصی برای احیای برجام در مذاکرات وین روی نداد، با وجود آنکه آقای عراقچی به‌عنوان مذاکره‌کننده ارشد اشراف خاصی بر مذاکرات با زبان انگلیسی داشت و محل مذاکرات هم در وین بود.

اگرچه بعد از شکست مذاکرات دوحه دوباره شاهد انداختن توپ مسئولیت به زمین هم‌دگر از طرف تهران و واشنگتن بودیم اما در یک وزن‌دهی مسئولیت اصلی شکست مذاکرات قطر متوجه ایران است یا آمریکا؟

اولاً واقعا نمی‌توان مشخص کرد که چند درصد از توقف مذاکرات دوحه ناشی از سوءمحاسبه آمریکایی‌هاست و چند درصد به دلیل نگاه تهران. در تاتی من معتقد نیستم که مذاکرات دوحه به شکست رسیده است. چرا؟



The Longines Legend Diver Watch

Elegance is an attitude

لونجین
LONGINES

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

Tel.: +98 21 226.137.52